

نجم الثاقب

تأليف : مرحوم حاج میرزا حسین طبرسی نوری
(ره)

www.ketab.ir

نام کتاب: نجم الثاقب

مولف: مرحوم حاج میرزا حسین طبرسی نوری (ره)

نشر سروین رخ

۶۶۶ صفحه رقعی

چاپ اول: ۱۳۹۳

تیراژ: ۵۰۰ عدد

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۸۲-۴۳-۸



- | | | |
|---------------------|---|---|
| سرشناسه | : | نوری، حسین بن محمدعلی، ۱۲۵۴-۱۳۲۰ ق. |
| عنوان و نام پدیدآور | : | نجم الثاقب / تألیف حسین طبرسی نوری |
| مختصات نشر | : | تهران: سروین رخ، ۱۳۹۳. |
| مختصات ظاهری | : | ۶۶۶ ص. |
| شابک | : | ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۸۲-۴۳-۸ |
| وضعیت فهرست نویسی | : | فیا |
| یادداشت | : | کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است. |
| موضوع | : | محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. |
| موضوع | : | مهدویت |
| رده بندی کنگره | : | ب ۱۳۹۳ ن ۹ ب ۵۷ BP5۷ |
| رده بندی دیویی | : | ۲۹۷/۹۵۹ |
| شماره کتابشناسی ملی | : | ۳۵۷۳۲۷۴ |

فهرست

۷	مقدمه و پیشگفتار
۱۹	باب اول
۴۵	باب دوم
۱۱۱	باب سوم
۱۵۱	باب چهارم
۱۹۵	باب پنجم
۲۴۷	باب ششم
۲۷۳	باب هفتم
۵۴۹	باب هشتم
۵۵۹	باب نهم
۵۶۷	باب دهم
۶۱۹	باب یازدهم
۶۴۵	باب دوازدهم

مقدمه و پیشگفتار

سیاس بیرون از اندازه و قیاس، سزاوار قائمی است بالذات، غایب از عالم اندیشه و حواس و ستایش بی حد و احصا، لایق صاحبی است ماءمول و مرتجی، در زمان شدت و رخاء، هادی است هر آنچه را که پدیدار نمود و دلیل است مر آن را که به فرمانش عمل نمود و درود بی نهایت به روان پاک نخستین پاسخ دهنده به بلی و برگزیده ایزد بیچون، پیش از پوشیدن بر آدم، خلعت اصطفارا، فاتح ابواب خیر و رشاد، خاتم رسولان پاک نهاد، منصور مؤید، محمود احمد، ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و بر پاکان و پاکیزگان از فرزندان آن سرور پیمبران، خصوصاً بر خلف سلف و صاحب غالیه عزت و شرف، قطب زمین و غوث زمان، کنز رجا و کشف امان و گوهر تابان در بحر امکان، حجاب ازلی ایزد سبحان و اسم اعظم الهی پوشیده و پنهان و عنقای قاف، محیط به جهان، دادرش در ماندگان و دادخواه خون برگزیدگان و پاک کننده دامن خاک از لوث ملحدان و فرمانفرمای ممالک زمین و آسمان و حجت بالغه خداوندی بر جهان و جهانیان بقیة الله، الحجة بن الحسن العسکری، صاحب العصر والزمان علیه و علی آبائه صلوات الله الملك الممان.

و بعد چنین گوید: بنده مذهب مُسیء، حسین بن العالم المؤمن، محمد تقی النوری الطبرسی أَحْسَنُ الله تَعَالٰی عاقبتہ و جَعَلَ مِنْ أَشْرَفِ الْخَوَاتِمِ خِ ائمتہ کہ عالیجاه، رفیع جایگاه، کمالات اکتناه، مقرب الخاقان، حاجی میرزا حسینعلی خَلَفِ غُفْرانِ پناه، حاجی علی اصغر نوری وَ قَقَّه الله تَعَالٰی لِمراضیہ حسب سلامتی فطرت و پاکی طینت، در فکر تحصیل زادی برای معاد و وسیله فوزی، در مقام مرصاد بر آمد، چنان دید که وسیله ای بهتر از جنگ

زدن به دامان خلیفه الرحمن و امام الانس و الجان علیه السلام و خدمتی به آن ولی علی القدر عظیم الشان نیست.

لہذا در چند ماه قبل، از جناب مستطاب فخر الشیعیہ و تاج الشریعہ و رئیس المسلمین و سید الفقہاء الکاملین و افضل العلماء الراشدین، المنتہی الیہ ریاستہ الامامیہ فی عصرہ، حجۃ الاسلام حاج میرزا محمد حسن شیرازی، مجاور بلدہ طیبہ سُرْمَن رَءِی مَنَّعَ اللہ تعالیٰ اہل الایمان بطول بقائہ، مستدعی شد کہ مقرر فرمایند تا کتاب شریف (کمال الدین)، شیخ اقدم، (ابو جعفر محمد بن علی بن بابویہ) ملقب بہ (صدوق) رضوان اللہ علیہ را بہ زبان فارسی ترجمہ کردہ تا آن را بہ حلیہ طبع در آورد و در میان اہل ایمان منتشر سازد. جناب ایشان دام ظلہ العالی از این احقر، در اجابت آن مسئوٰل، مشورت فرمودند.

معروض داشتیم کہ: عالم فاضل، (سید علی بن سید محمد اصفہانی) معروف بہ (امامی)، تلمیذ (علامہ مجلسی) آن کتاب را ترجمہ نمودہ و از اجزای کتاب ہشت بہشت اوست کہ ترجمہ ہشت کتاب است، چون: عیون و امالی و خصال.

و نیز بعضی از فضلاء معاصرین از سادات شمس آباد اصفہان، کتاب شریف مذکور را ترجمہ نمودہ و ترجمہ دوبارہ آن رنجی است بی فایدہ، بہتر آنکہ همان را منتشر نمایند.

پس، از آن خیال منصرف شدند و از کتاب دیگر صحبت داشتند. سخن بہ جایی منتہی نشد و مدتی برای گذشت تا در ماہ شعبان گذشتہ، از سنہ ۱۳۰۳ شعی در محضر ایشان حاضر بودم کہ سخن آن مطلب در میان آمد و باز جویای موردی شدند و بالاخرہ فرمودند: (بہتر آنکہ مستقلاً در این باب، کتابی نوشتہ شود و شخص تو از برای این خدمت نمایان، شایستہ هستی.) اما حقیر بہ علت قلت بضاعت علمی و کثرت اسباب پریشانی و حاضر نبودن بیشتر کتابہایم کہ اسباب انجام این شغل عظیم بود، عرض کردم: (مقدمات اقدام در این امر خطیر فراہم نیست و لکن سال گذشتہ رسالہ ای مسمی بہ (جنتہ المآوی) نوشتہ و در آنجا، جمع کردم کسانی را کہ در غیبت کبری بہ خدمت امام عصر علیہ السلام رسیدند، غیر از آنچه در سیزدہم بشار مذکور است؛ چنانچہ صلاح باشد همان را بہ فارسی ترجمہ کردہ، موجود در بشار را بر آن بیفزایم؛ کتابی شود لطیف و برآمدن از عہدہ آن آسان.)

این را ہی را پسندیدند و لکن فرمودند: (اقتصار بر آن نشود. شمعہ ای از حالات آن جناب نیز بہ آن منضم شود، ہر چند بہ ایجاز و اختصار باشد.)

حسب الامر المَطاع العالی، در انجام این خدمت اقدام نمودہ یا نہایت یاس از حال

خویش، جز آنکه حق مجاورت قباب عذیه حضرتین عسکرتین علیهما السلام را وسیله کنم و از آن باب عالی استمداد نمایم.

بحمدالله، از برکت آن محل، برکات الهیه، در اندک زمانی، این خدمت مرجوعه به انجام رسید. شکر حضرت یزدان، جلّ ثناؤه را بجای آوردم. و نام این نامه گرامی را نجم الثاقب در احوال امام زمان علیه السلام گذاشتم و مطالب آن را در ضمن دوازده باب بیان نمودم.

معرفی کتب غیبت و نویسندگان آنها

قبل از شروع در فهرست اجمالی ابواب و دخول در مطالب کتاب، بایست تنبیه نمود بر مقدمه. و آن، آن است که کتب متعلق به احوال آن حضرت صلوات الله علیه که معروفند به (کتب غیبت)، بسیار است و آنچه حاضر الوقت از اسامی آنها به نظر رسیده:

- کتاب شفا و جلا در غیبت از ابوالعباس یا ابوعلی، احمد بن علی رازی خسیب آبادی.
- کتاب مختصر منازل من القرآن فی صاحب الامر علیه السلام از ابو عبدالله، احمد بن محمد بن عیاش.
- کتاب ترتیب الأدلة فیما یلزم خصوص الامامیه دفعه عن الغیبة والغایب از احمد بن حسین بن عبدالله مهرانی آبی ابوالعباس عروسی.
- کتاب فی ذکر القائم من آل محمد علیهم السلام از احمد بن رمیح المروزی.
- کتاب المهدی از ابی موسی، عیسی بن مهران.
- کتاب غیبة از حسن بن حمزة العلوی الطبری المرعشی.
- کتاب اثبات الرجعة معروف به (غیبت) از ابی محمد، فضل بن شاذان نیشابوری.
- کتاب الحجّة فی ابطاء القائم علیه السلام از آن جناب.
- کتاب ازالة الزّان عن قلوب الاخوان در غیبت، از ابوعلی، احمد بن محمد بن جنید معروف به ابن جنید.
- کتاب کمال الدین از شیخ صدوق.
- رساله غیبت برای اهل ری از آن جناب.
- کتاب غیبت از شیخ جلیل، محمد بن مسعود عیاشی، صاحب تفسیر.
- کتاب رجعت نیز از او.
- کتاب غیبت از ابی عبدالله، محمد بن ابراهیم نعمانی و تملیذ ثقة الاسلام کلینی و این

- کتاب، از نفایس کتب مدوّنه در این باب است.
- شیخ مفید در (ارشاد) از آن مدح کرده و چنان ظاهر می شود که قبل از آن، بهتر از آن، تصنیفی در این باب نشده.
- رساله غیبت از شیخ مفید.
- کتاب مقنع در غیبت از سید مرتضی که برای وزیر مغربی نوشته.
- کتاب غیبت از شیخ الطایفه، ابی جعفر طوسی.
- کتاب برهان در طول عمر صاحب الزمان علیه السلام از ابیوافتح، محمد بن علی بن عثمان و علامه جلی آن را جزو کتاب کنز الفوائد خود کرده.
- کتاب صاحب الزمان علیه السلام از محمد بن جمهور عمی، صاحب کتاب واحد.
- کتاب وقت خروج قائم علیه السلام نیز از او.
- کتاب فرج کبیر در غیبت از ابو عبدالله، محمد بن هبة بن جعفر وراق طرابلسی.
- کتاب غیبت از ابوالمظفر، علی بن حسین حمدانی که از سفراء امام علیه السلام است، چنانچه شیخ منتجب الدین در رجال خود فرموده.
- کتاب توقیعات غیبت از عبدالله بن جعفر حمیری.
- کتاب جنات الجنّین، فی ذکر ولد العسکرتین علیهما السلام از قطب راوندی.
- کتاب سلطان الفرج عن اهل الایمان، کتاب سرور اهل الایمان فی علائم ظهور صاحب الزمان علیه السلام و کتاب غیبت هر سه از نباء الدین، علی بن عبدالکریم بن عبدالحمید حسینی نبلی جعفری، صاحب مقامات و کرامات و استاد ابن فهمد.
- بعضی احتمال داده اند که دو کتاب اخیر، یکی باشد اما این که شیخ حر عاملی در (امل الاصل) در احوال سید مذکور، فرموده که از تصانیف او انوار المصیئة است در احوال مهدی علیه السلام، اشتباه است. چه انوار المصیئة فی الحکمة الشرعیة از کتبی است که نظیر ندارند؛ مشتمل است بر جمیع مسائل اصول دین و مذهب و ابواب فقه و اخلاق و ادعیه و غیرها. اگر چه احوال آن جناب را در مجلد اول، در ضمن حالات سایر ائمه علیهم السلام بسطی داده، لکن کتاب، اختصاصی ندارد به آن حضرت.
- کتاب بحار الانوار مجلد سیزدهم که اجمع کتبی است که در غیبت نوشته شده. رساله رجعت نیز از آن مرحوم.
- کتاب کفایة المهتدی، فی احوال المهدی از سید محمد بن محمد لوحی حسینی

موسوی سبزواری، ملقب به مطهر و متخلص به نقیسی، تملیذ محقق داماد و بیشتر آنچه در آن کتاب نقل کرده، از کتاب فضل بن شاذان است که اولاً خبر را با سند و متن نقل کرده، آنگاه ترجمه نموده و نیز غیبت شیخ طرابلسی و غیبت حسن بن حمزه مرعشی در نود و دو بوده و ما آنچه از این سه کتاب نقل کنیم به توسط این کتاب است. رساله شرعة التسمیة از محقق داماد رحمه الله.

- رساله كشف التعمية فی حکم التسمیة از شیخ محدث حر عاملی.
- کتاب ابقاظ الهمجة فی اثبات الرجعة نیز از آن مرحوم.
- رساله رجعت از امیر محمد مؤمن استرآبادی از مشایخ اجازه علامه مجلسی.
- رساله در تحریم نام بردن اسم امام زمان علیه السلام از عالم محقق نحیر، شیخ سلیمان ماحوزی بحرانی.
- رساله فلك المشحون از جناب سید باقر قزوینی.
- کتاب مولد قائم علیه السلام، کتاب محجة فیما نزل فی الحجة علیه السلام و کتاب تبصرة الولی فیمن رأى القائم المهدی علیه السلام هر سه از محدث خیر، سید هاشم توبلی بحرانی.
- کتاب عوالم مجلد از آن کتاب غیبت، فاضل آقاخواند ملا کاظم هزار جریبی، و آن مختصری است از ترجمه بحار یا ترجمه ای است از مختصر بحار.
- رساله جنة الماء وی فیمن فاز بلقاء الحجة علیه السلام فی الغیبة الكبرى از حقیر و آن به منزله مستدرکی است از باب بیست و سوم جلد غیبت بحار، ترجمه سیزدهم بحار و ترجمه کمال الدین.
- رساله غیبت از سید جلیل، سید دلدار علی نقوی هندی نصیرآبادی که از فحول علمای آن بلاد بود و صاحب تصانیف راقه بسیار و از جناب بحر العلوم رحمه الله اجازه دارد و این رساله، رد است بر اقوال عبدالعزیز دهلوی در غیبت آن جناب صلوات الله علیه و غیر آنها از مؤلفات که بعضی، دارای تمام حالات آن جناب است به قدر استعداد مؤلف و بعضی در تنقیح بعض از امور متعلقه به آن حضرت صلوات الله علیه. باین همه تصانیف، باز جمله ای از مطالب مربوط به آن جناب، در روایای کتب اصحاب مانده که تاکنون در کتب غیبت، جمع نشده و چون این حقیر بی بضاعت، بنای استقصای مطالب موجوده در آن کتب را ندارم، لهذا به بعضی از مستطرفات حالات و نوادر امور منسوبه

به آن جناب و تنظیم بعضی از مطالب موجوده در آن کتب پرداخته، امید که بر اهل فضل و دانش، محاسن و منافع و لطایف و بدایع آن، مخفی و مستور نماند. وبالله التوفیق وعلیه التکلیل.

فهرست اجمالی

مطالب ابواب کتاب به نحو اجمال به جهت سهولت پیدا کردن هر مطلبی در بابش، باب اول: در ذکر شمه‌ای از حالات ولادت با سعادت آن جناب صلوات الله علیه نظم و ترتیب بدیعی که مضمّن باشد مضامین غالب اخبار آن باب را با ذکر ماء خذ و حذف مکررات و اجمالی از حال حکیمه خاتون سلام الله علیها.

باب دوم: در ذکر اسامی و القاب و کنیه‌های آن حضرت علیه السلام که از صریح و فحوای کتاب و سنت و تصریح روایات و محدثین و علمای رجال و غیرهم به دست آمده و آن یکصد و هشتاد و دو اسم است و اسم بر هر سه اطلاق میشود، چنانچه بیاید در باب چهارم.

باب سوم: مشتمل بر دو فصل:

فصل اول در شمایل آن جناب

با استقصای نام و ایجاز در کلام.

فصل دوم در خصایص آن جناب و الطافات خاصه الهیه که به آن حضرت علیها السلام شده یا خواهد شد بالنسبه به جمیع انبیاء و اوصیاء گذشته علیهم السلام یا بالنسبه به اکثر ایشان که معدودی در بعضی از آنها با آن جناب شرکت دارند و آنچه مذکور می شود از آنها در اینجا چهل و شش است.

باب چهارم: در ذکر اختلاف مسلمین در آن جناب، بعد از اتفاق ایشان در صحت صدور اخبار نبویه بر تحتم آمدن شخصی در آخر الزمان، همانا آن حضرت و ملقب به مهدی علیها السلام که پر کند دنیا را از عدل و داد و ذکر کتب مؤلفه از اهل سنت در احوال آن جناب و محل اختلاف در چند جاست:

اختلاف اول در نسب که آن جناب از فرزندان کیست؟ و در آن چهار قول است:

اول آنکه: از اولاد عباس است.

دوم: علوی غیر فاطمی است.

سوم: آنکه حسنی است.

چهارم: آنکه حسینی است و بیان صحبت اینقول و ابطال آن سه، به نحو اوفی.
اختلاف دوم در اسم پدر آن جناب و در آن دو قول است:

اول: قول امامیه که نام پدر آن جناب حسن علیه السلام است.

دوم: قول بعضی از عامه که نام او عبدالله است و ابطال این قول.

اختلاف سوم در تشخیص و تعیین آن جناب و در آن ده قول است:

اول: قول کسانی که محمد بن حنفیه است یا پسر او.

دوم: قول مغیره که محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن علیه السلام است.

سوم: اسماعیلیه خالصه که اسماعیل پسر حضرت صادق علیه السلام است.

چهارم: نادوسیه که حضرت صادق علیه السلام است.

پنجم: مبارکیه که محمد بن اسماعیل بن امام جعفر صادق علیه السلام است.

ششم: واقفیه که حضرت کاظم علیه السلام است.

هفتم: عسکریه که حضرت عسکری علیه السلام است.

هشتم: محمدیه که ابو جعفر محمد بن علی الهادی علیه السلام است.

نهم: امامیه که خلف صالح، حجة بن الحسن العسکری علیه السلام است.

دهم: جمهور اهل سنت که مهدی را در کسی تعیین نکنند و در آنجا ذکر نمودیم

اسامی بیست نفر از علمای ایشان را از فقها و محدثین و عرفا که با امامیه در این مطلب موافقند با

ذکر کلمات آنها و مدح و توثیق ایشان از علمای رجال ایشان و حدیث مسلسل شیخ بلاذری

معروف که از خود آن حضرت روایت کرده و ذکر کرده شبهه ای از شبهات اهل سنت را بر امامیه

در این مقام و جواب آنها به نحوی که در کمتر کتابی جمع شده و نیز در آنجا ابطال نمودیم قول

شاذی را که فرزندان امام حسن علیه السلام وفات کرده.

باب پنجم: در اثبات نمودن مهدی موعود همان حجة بن الحسن العسکری علیه السلام

از روی نصوص اهل سنت

و از آنها سی حدیث ذکر شده و نصوص امامیه، زیاده بر آنچه علامه مجلسی در جلد نهم

و سیزدهم بحار نقل فرموده و آنها چهل حدیث با سند نقل شده و بیشتر آنها از کتب (غیبت)

فضل بن شاذان است.

باب ششم: در اثبات دعوی مذکوره از روی معجزات صادره از آن جناب

زیاده از آنچه در ابواب دیگر متفرقا ذکر می شود و از غیر کتبی که علامه مجلسی ره از آنها

نقل فرموده و از آنها چهل معجزه نقل نمودیم.

باب هفتم: در ذکر آنان که در غیب کبری خدمت آن جناب رسیدند یا بر معجزه آنبزرگوار واقف شدند. اثر اثری از آثار دالّه بر وجود آن جناب که عمده غرض از تالیف این کتاب بود، در آنجا صد حکایت ذکر شده است. و قبل از شروع در آنها، ذکر شده نام آنان که در غیب صغری خدمت آن جناب مشرف شدند یا واقف شدند بر معجزه‌ای و در ذیل بعضی از آنها مطالب نفیسه مناسبه درج شده است.

چنانچه در ذیل اول، کیفیت نماز منسوب به امام عصر علیه السلام از برای شداید و حاجات و حال مسجد جمکران در قم که به امر آن حضرت بنا شده، ذکر شده.
و در دوم که قصه شهرهای فرزندان آن حضرت است، اثبات شده بودن عیال و اولاد برای آن جناب و امکان وجود چنین بلاد در همین ارض در بزر یا بحر و مستور بودن آن از انظار، حتی از عبور کنندگان به آنجا و وقوع نظایر آن، به نحو اختصار و در ذیل سی و هفتم که قصه جزیره خضر است این مطلب، مشروحاً بیان شده.
و در پنجم، اجمال احوال شیخ محمد، پسر اسماعیل هرقلی که زخم رانش را در سامره، حضرت شفا داد.

و در ششم، ذکر یکی از رقاع استغاثه به آن حضرت که قلیل الوجود است.
و در هفتم، تحقیق حال نرمی کف مبارک آن حضرت و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله یا درشتی و غلظت آن و اختلاف شراح احادیث در قرائت (شتن الکفین) که در خبر شمایل است که باتای قرشت است یا تاء ثخذ.
در دهم، توضیح آنکه شارع ترددات کتاب شرایع، محقق زهدری است.
و در یازدهم، بیانی از الطاف خفیه و هدایات خاصه الهیه شده و ذکر اسامی معروفین از بنی طاووس که ارباب تصانیف اند.

و در ذیل نوزدهم، اشکال در خبر معروف اللهم شیعتنا منّا الخ و کلام شیخ رجب برسی.
در بیستم، شرح نسبت هر روز از ایام هفته به امامی و کیفیت نماز هدیه که باید برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام کرد و ترتیب آن در ایام هفته و ذکر تسبیح امام عصر علیه السلام که باید از روز هجدهم هر ماه خواند تا آخر ماه.

و در بیست و دوم، ذکر تسبیح امام عصر علیه السلام به سید رضی الدین آوی داد.
و در بیست و هفتم، اشاره به این که وجود اماکن شریفه مانند مشاهد و مساجد و مقابر امام

زادگان و صلحا و مواضعی که یکی از حجج طاهره در آنجا قدم گذاشتند در بلاد، از نعم سنیه الهی است.

و در بیست و هشتم، ذکر دعای معروف که باید در ماه رجب و مسجد صعصعه خواند.
و در سی ام، ذکر چند دعا که معروفند به دعای فرج.
در سی و یکم، ذکر خیر ثواب زیارت ابی عبدالله علیه السلام در شب جمعه که امام عصر علیه السلام حکم به صحت آن فرمودند.

و در سی و هفتم که قصه جزیره خضراست، بیان اعتبار سندان و حال فضل بن یحیی،
راوی آن و ذکر باره ای نظایر آن و کلمات اشعریه در اماکن وجود اغرب از آن و اجمالی از حال
جابلسا و جابلقا و حکم سهم امام عصر علیه السلام از خمس، در ایام غیبت و تکلیف آنکه به
دستش می افتد و سیره و سلوک امام زمان علیه السلام در غذا و لباس.

در سی و هشتم، اجمالی از حال جناب میرزا محمد تقی الماسی.
و در پنجاه و یکم، ذکر بعضی از احجار که اسم امامی در آن منقوش شده بود.
و در پنجاه و دوم و سوم ترجمه توقیعات که برای شیخ مفید رحمه الله رسید و بیان عدد و
اعتبار آنها و عذر عدم تعرض ذکر علامات و آیات ظهور در این کتاب.
در شصت و چهارم، بیان اختلاف نسخ صحیفه کامله.
و در شصت و پنجم، ذکر بعضی از روایات صحیفه کامله.
و در شصت و ششم، ذکر کرامتی از شیخ محمد پسر صاحب معالم.
و در هفتادم، اختلاف نسخ زیارت جامعه و فضیلت عجیبه از زیارت عاشورا.
و در نود و دوم، اشاره به بعضی از مقامات عالییه صاحب کرامات، جناب سید باقر قزوینی
اعلی الله مقامه.

و در نود و ششم، اجمالی از احوال سید الفقها، جناب سید مهدی قزوینی حلی، برادرزاده
آن مرحوم.

در ذیل حکایت و در ذیل حکایت صدم، ذکر شبهه و استبعاد مخالفین در طول عمر امام زمان
علیه السلام و ذکر بعضی از کلمات آنها و جواب از آنها مشروح و ذکر عهود که صاحب قاموس
گفته که او هفت سال در صحرا خوابید و ذکر کلمات و شمه ای از تکالیف جماعتی از اهل سنت
که دعوی رؤیت آن جناب را کردند در ایام غیبت و ذکر جمله ای از معمرین و حدیث غریبی در
حال دجال که از اخبار صحیحه ایشان است و حکایت عجیبی از الیاس نبی علیه السلام و شرح

حال معمر مغربی و سبب طول عمر او و بیان رفع توهم تعدد در او و بیان جواز طول عمر به قواعد نجومیه و بعضی فوائد طریقه و مراد از خرابات در حکایت شصت و ششم.

باب هشتم: در جمع بین حکایات و قصص مذکوره و آنچه رسیده در اخبار که باید مدعی و یت را در غیبت کبری تکذیب نمود و بیان وجوب صرف آن اخبار از ظاهر خود و ذکر پنج وجه برای آنها از کلمات علما و مطاوی اخبار ظاهر می شود و ذکر تصریح جمعی از اعلام به امکان رؤیت در ایام غیبت و بعضی از کلمات سید جلیل علی بن طاووس که ظاهر است در دعوی در این مقام برای نفس خود.

باب نهم: در عذر داخل نمودن چند حکایت از در ماندگان در بیابان و غیر آنها در ضمن حکایات سابقه با نبودن شاهی در آنها بر اینکه آن نجات دهنده و فریادرس، امام عصر علیه السلام بوده؛ چنانچه سایر علما ذکر کردند و بیان آنکه به هراممی برای کدام حاجت باید متوسل شد و اثبات آنکه اغاثه ملهوفین، از مناصب خاصه امام زمان علیه السلام است و ذکر لقب غوث و قطب و کنیه ابو صالح برای آن جناب و کلام شیخ کفعمی در ذکر قطب و اوتاد و ابدال و نجبا و صلحا و توضیح آنکه آن فریادرس و نجات دهنده به نحو خارق عادت یا خود آن جناب است یا از خواص محضر شریف و بر تقدیر نبودن آن شخصیکی از این دو احتمال بودن او یکی از اولیا، باز دلالت کند بر اصل مقصود که وجود آن جناب است.

باب دهم: در ذکر شمه‌ای از تکالیف عباد، بالنسبه به آن جناب و آداب و رسمبندی و عبودیت خلق بالنسبه، به ایام غیبت و از آنها هشت چیز ذکر شده:

اول: مهموم بودن برای آن جناب و برای آن سه سبب ذکر شده.

دوم: انتظار فرج و ثواب فضل آن.

سوم: دعا کردن از برای حفظ آن وجود مبارک و از دعاهای ماثوره مطلقه و موقته،

هفت دعا برای این حاجت ذکر شده.

چهارم: صدقه دادن برای سلامتی و جود آن شخص معظم.

پنجم: حج کردن یا حجه دادن برای آن ولی النعم.

ششم: برخاستن از برای تعظیم شنیدن اسم مبارک آن حضرت.

هفتم: دعا کردن از برای حفظ دین و ایمان خود، از شر شیاطین جن و انس داخلیو

خارجی در ظلمات ایام غیبت و از ادعیه ماثوره هفت دعا برای این مطلب ذکر شده.

هشتم: استمداد و استعانت و استکفا و استغاثت به آن جناب در هنگام شداید و احوال و

کیفیت توسل و یکی از رقااع استغاثه و اشاره به بعضی از مقامات آن جناب در علمو قدرت الهیه و احاطه به رعایا و جهات تشبیه آن جناب در غیبت، به آفتاب زیر سحابو ذکر یکی از توسلات معروفه و مجرب به آن حضرت.

باب یازدهم: در ذکر پاره‌ای از ازمه و اوقات که اختصاص دارد به امام عصر علیه السلام و تکلیف رعایا در آن اوقات بالنسبه به آن جناب و از آنها هشت وقت ذکر شده:
اول: شب قدر، بلکه بر دو شب معهود.

دوم: روز جمعه.

سوم: روز عاشورا.

چهارم: از وقت زرد شدن آفتاب تا غروب آن در هر روز.

پنجم: عصر دوشنبه.

ششم: عصر پنجشنبه.

هفتم: شب و روز نیمه شعبان.

هشتم: روز نوروز و در ذکر هر یک اعمال و آداب و ادعیه متعلقه به آن و سبب نسبت آنوقت را به آن جناب بیان نمودیم.

و در آخر باب، اشاره شد به اختصاص بعضی از امکنه منسوبه به آن جناب و نیز حضور آن حضرت در تشییع جنازه هر مؤمنی.

باب دوازدهم: در ذکر اعمال و آدابی که شاید بتوان به برکت آنها، به سعادت ملاقات و شرف حضور با هر النور امام عصر صلوات الله علیه رسید، چه بشناسد یا نشناسد، در خواب یا بیداری و اثبات آنکه مواظبت عملی، از کردنیها و گفتنیها، خوب یابد، در چهل روز، سبب تاءثیر و افاضه صورتی و انتقال از حالتی است به حالتی. والله العالم.